

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نگاهی به اسطوره ارون
رودخانه مقدس، آیین قضاوت و آزمایش ایزدی

۱- جوادشاکری پور ۲- صفیه مرادخانی ۳- طاهره صادقی تحصیلی

۱- دانش اموخته کارشناسی ارشد ادبیات پایداری دانشگاه لرستان

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان

¹(shakeripour@chmail.ir)

²(Safiyeh.moradkhani@yahoo.com)

³(Sadeghi.tahsili@yahoo.com)

چکیده

اروندرو به باور ایرانیان باستان رودخانه آزمایش ایزدی بوده است. این باور در قالب اسطوره آفرینش با خلق اهورایی آن به وسیله هرمزد، اسطوره باران با نبرد تیشتر و اپوش و در شاهنامه نمود یافته است. نقش طبیعت و وضعیت اقلیمی ایران در اعتقاد به موکل بودن ایزدان بر آب و ارتباط اروندرو با ظهور سوشیانت در اساطیر ایران به آن تقدس بخشیده است. این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد آیینی از نگاه پایداری به این رود می‌نگرد و آیین قضاوت «ورسرد» را در اثبات فره‌مندی و تحقق عدالت خواهی مورد تحلیل قرار می‌دهد.

کلمات کلیدی: اسطوره و حماسه، فریدون، اروندرو، ورسرد، سوشیانت

۱. مقدمه

اسطوره از نگاه دینی «نقل کننده سرگذشتی قدسی و مینوی است، راوی واقعه‌ای است که در زمان اولین، زمان شگرف بدایت همه چیز رخ داده است... اسطوره همیشه متضمن روایت یک «خلقت» است، یعنی می‌گوید چگونه چیزی پدید آمده، موجود شده و هستی خود را آغاز کرده است. اسطوره فقط از چیزی که واقعاً روی داده و به تمامی پدیدار گشته، سخن می‌گوید، آدم‌های اسطوره، موجودات مافوق طبیعی‌اند.» [۱] (الیاده ۱۳۹۲: ۱۵-۱۴) اسطوره راوی زندگانی، بینش و عقاید مردمان بدوی پیرامون پدیده‌های هستی، طبیعی و فرا طبیعی است. آنان برای این پدیده‌ها نیروی معنوی و مینوی قایل بودند. آب، آتش، باد، باران و... در نزدشان مقدس بود و هر کدام را خدایی، ایزدی و الهه‌ای یا به تعبیری فرشته‌ای نگاهبانی می‌کرد. حتی آنان تا آنجا پیش رفتند که خدایان و ایزدان خود را همچون انسان تصور کرده بودند. البته این تصور و تفکر در اساطیر جهان یکسان نبوده است اما اساطیر مللی مانند یونان، هند، بین النهرین و البته بخشی از اساطیر ایران به تأثیر از آنها تصویرگر آن بوده‌اند. نمونه آن در اساطیر یونان در جنگ تروا

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نمود یافته است. این جنگ میان خدایان انسان نما، رشک و حسادت آنان در یک مسابقه زیبایی، آتش جنگ ده ساله را بین یونانیان و ترواییان برای ربودن یک زن شعله‌ور ساخت. در میانه جنگ به علت خودستایی آگاممنون فرمانده سپاه یونان و برتر دانستن خود در هنر شکار از آرتمیس الهه شکار، خشم خدایان را برانگیخت. پوزیدون خدای دریاها به تحریک این الهه از وزش باد موافق دریغ ورزید. آگاممنون برای عذر خواهی از مقام رفیع خدایان دخترش «ایفی ژنی» را قربانی کرد. بدین سبب با جلب رضایت خدایان باد وزیدن گرفت و کشتی‌ها در دریا به حرکت در آمدند. [۲] (صادق ۱۳۷۴: ۷۵-۷۰) دیگر نمونه اینکه ژئوس خدای آسمان در اساطیر یونان خود را به شکل پیری فرتوت در آورده است. در اساطیر ایران باستان نیز هرمزد خدای بزرگ در آسمان خورشید است و در زمین جام‌های مزین به تن داشته است و امشاسپندان (ذوات و جاودانان مقدس و مجرد) دختران و پسرانش تلقی شده‌اند. مینوی آسمان با زرهی در جامه جنگاور نیرومند جلوه نموده است. این ویژگی‌ها درباره «انسان هزار چهره نیز دارای قدرتی است که خود یا دیگران یا اشیا را تغییر پیکر می‌دهد، فریدون بر فرزندانش چون اژدهایی آشکار می‌شود و ضحاک یا اژدهاک، انسانی با پیکر مار است.» [۳] (رستگار فسایی ۱۳۸۰: ۱۴۵-۱۴۴)

یکی دیگر از پدیده‌های بنیان آفرین و هستی بخش یعنی آب نماد زندگی، تولد، مرگ، رستاخیز، راز آفرینش، پاکی و رستگاری، باروری و رشد، تجدید حیات و دگردیسی است. [۴] (اسماعیل پور ۱۳۷۷: ۲۰) پدیده‌ای که نقش حیاتی آن در زندگی بشری چنان پر رنگ و ارزنده است که در دوران معاصر بحران آب در جهان و مرز بندی‌های سیاسی کشورمان پیرامون اروندرود با همسایه‌اش عراق، جنگ و دفاع هشت ساله را موجب شده است. بلکه این پدیده طبیعت در گذشته‌های باستان نیز و حتی از آغاز خلقت، مهم جلوه نموده است. «آب یکی از چهار عنصر اصلی و از مفاهیم مهم طبیعت است که به سبب اهمیت و نقش ارزنده آن در حیات، همواره توجه انسان‌ها را به خود جلب کرده و ستایش و پرستش آنها را برانگیخته است. ایرانیان باستان از دیرباز برای آب احترام و تقدس قایل شده‌اند. این پدیده از عناصر اصلی اسطوره‌شناسی، کیهان‌شناسی و فرجام‌شناسی آنان به‌شمار آمده و حتی جنبه الوهیت نیز یافته و با ایزدان بزرگی مرتبط شده است.» [۵] (دادور و روزبهانی ۱۳۹۷: ۵۵) نکته دیگر اینکه در ارتباط آب، کیش‌ها، آیین‌ها و تمدن‌های بزرگی پیرامون آن شکل گرفته است. به تعبیری دیگر جایی که آب هست، هستی و زندگی جریان یافته است. این مهم نیز پیرامون رودخانه مقدس، آیین قضاوت و آزمایش ایزدی اروندرود در اساطیر ایران و حماسه ملی ایران محل شهود بوده است.

۱-۱. بیان مسأله

آب مایه زندگی و شریان حیاتی بشری در نزد ملل جهان از تقدس خاصی برخوردار بوده و هست. ایرانیان نیز برای آن احترام و تقدس قایل شده‌اند. به باور آنان در دوران باستان، این پدیده طبیعی جنبه الوهیت داشته است و ایزدانی مرتبط برای آن پنداشته‌اند. بنا به همین باورها، ایزدانی از رودخانه‌های مقدس باستانی و اساطیری است که هرمزد با انگشت خود آن را آفریده است و ایزدانی همچون آناهیتا بر آن موکل بوده‌اند. [۶] (دادگی ۱۳۸۰: ۶۵-۶۴؛ فره‌وشی، ۱۳۴۸: ۸۴) جنبه تقدس اروندرود تا همین جا خاتمه نیافته است؛ بلکه این رود یک رودخانه آیینی، قضاوت و آزمایش ایزدی نیز بوده است. این ویژگی‌ها در حماسه اساطیری جنگ فریدون و ضحاک و در گذر فریدون از اروندرود نمود خواهد یافت. بنابراین پژوهش پیشرو جنبه‌های یاد شده را با هدف تبیین و شناخت تقدس و تحلیل گونه آیینی اروندرود با رویکرد دینی - آیینی مورد کاوش قرار می‌دهد. علاوه بر این پژوهش با نگاه پایدار، مضامینی چون ظلم ستیزی و عدالت خواهی را به عنوان دو رکن اساسی زندگانی انسان‌های آزادی خواه و حاکمان دادگر و فره‌مند در قالب روایات اساطیری و حماسی پیرامون اروندرود می‌نگرد. دیگر اینکه در بیان فردوسی در روایت حماسی گذر فریدون از اروندرود این رود با دجله تطبیق داده شده است و این مسأله بسیار مهمی می‌تواند باشد که در تحلیل این گذر بدان خواهیم پرداخت. نکته نهایی نیز در ارتباط اروندرود با ظهور سوشیانت آخرین موعود به‌دینان است که در اساطیر دینی یکی از نشانه‌های ظهور این منجی را جنگ در

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

کرانه‌های اروندرود دانسته‌اند. بنابراین این پژوهش با هدف شناخت جنبه‌های دینی و آیینی به دنبال پاسخی به این سؤال‌هاست: نقش و جایگاه اروندرود در اساطیر ایران چگونه است؟ سوشیانت آخرین موعود مزدیسنا چه ارتباطی با اروندرود دارد؟

۱-۲. پیشینه تحقیق

نام اروندرود در بزرگترین شاهکار ادبی ایران و جهان در شاهنامه فردوسی بخش جنگ فریدون و ضحاک و گذر فریدون از اروندرود و بخش تاریخی آن آمده است. بنابراین دامنه بحث از دوران آغازین اسلام در قالب روایات حماسه و اساطیر به دوران باستان سوق داده می‌شود. واکاوی‌های تصحیح‌کنندگان و شاهنامه‌پژوهان در بحث‌های ساختاری: اساطیری، پهلوانی و تاریخی این سترگ نامه ملی ایرانیان، نام اروندرود را پرآوازه می‌سازد و مباحث گوناگونی پیرامون آن شکل می‌دهد که اینک به اهم آنها در ارتباط با موضوع مورد تحلیل اشاره می‌کنیم.

شاهنامه تصحیح جلال خالقی مطلق از مهم‌ترین منابع و بهترین پیشینه اروندرود تلقی می‌شود. گذر فریدون از اروندرود با نگاه آیین اساطیری و ررسرد در آن نمود یافته است. از نگاه اساطیر دینی اوستا کهن‌ترین کتاب مقدس و سرودهای ایرانیان گزارش جلیل دوستخواه خاصه در آبان یشت و دیگر یشت‌ها و بخش‌های اوستا، یکی از منابع مهم دینی و تاریخی است که راوی تطور اروندرود در اساطیر اوستایی شده است. بندهش کتاب آفرینش از نوشته‌های فرنبخ دادگی در سده سوم هجری با گزارش عالمانه مهرداد بهار از جغرافیای اساطیری اروندرود سخن رفته است. پژوهشی در اساطیر ایران دیگر اثر ارزشمند و ناتمام مهرداد بهار با بهره‌گیری از متون پهلوی باز هم از اروندرود و جغرافیای اساطیری آن سخن گفته‌اند. آیین اساطیری و پیشینه سوگند در ایران و جهان نوشته جواد رسولی با موضوع بررسی آیین ور و آزمایش ایزدی از نوع و ررسرد به گذر فریدون از اروندرود و مقاله «رودها در شاهنامه» اثر مریم جعفری و رضا اشرف زاده نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند. [۷] (جعفری و اشرف‌زاده ۱۳۹۵: ۳۰-۱۱) مقاله‌های «اروندرود» از بهرام فره‌وشی و محمدحسن گنجی به مباحث جغرافیای طبیعی و تاریخی این رود از دوران باستان تا روزگار معاصر پرداخته‌اند. [۸] (فره‌وشی ۱۳۴۸: ۸۷-۷۵؛ گنجی ۱۳۸۵ ج ۷: ذیل واژه اروندرود) ابراهیم پورداود نیز در مقاله «رنگها و ارنگ» به ریشه‌شناسی اروندرود و محل جغرافیایی آن از نظر مستشرقان پرداخته و او نیز تشخیص مکانی این رود را چون آنان دشوار و مشکل دانسته است. [۹] (یشت‌ها ۱۳۷۷ ج ۱: ۲۲۶-۲۲۲) علی اکبر دهخدا نیز همین مقاله از پورداود را در مدخل «ارنگ» در لغت‌نامه آورده است. [۱۰] (دهخدا ۱۳۷۷ ج ۲: ذیل واژه ارنگ)

باز هم آثار دیگری در قالب کتاب و مقاله درباره اساطیر ایران و آیین قضاوت و داوری الهی در دوران باستان به طبع رسیده است که از میان آنها مهم‌ترین منابع تحقیق را مرتبط با بحث اسطوره اروندرود به عنوان رودخانه مقدس و آیینی قضاوت و آزمایش ایزدی یاد کرده‌ایم و برخی دیگر را در ارجاعات درون متنی بیان خواهیم کرد. آنچه این تحقیق را از سایر دیگر آثار متفاوت می‌سازد؛ یکی بحث مستقل از نگاه دینی و آیینی به آیین قضاوت و آزمایش ایزدی به رودخانه اروندرود است و دیگری تبیین مفاهیمی چون فره‌مندی، ظلم ستیزی و عدالت خواهی با رویکرد پایداری به عنوان گونه‌ای از ادبیات معاصر ایران است که مباحث دینی و آیینی را در گذر فریدون از اروندرود با استناد به برخی متون اساطیر دینی و تاریخی مورد واکاوی و تحلیل قرار می‌دهد و تاکنون از این زاویه دید کسی به آن نپرداخته است.

۲. بحث: اروندرود

اروندرود در جغرافیای طبیعی و سیاسی امروزی حدود مرزی دو کشور ایران و عراق را تشکیل می‌دهد. سرچشمه این رود از کوه‌های ترکیه نشأت می‌گیرد و پس از آن در خاک عراق در دو رود دجله و فرات ادامه می‌یابد. اروندرود در مکانی بنام «قرنه» در نزدیکی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بصره از به هم پیوستن این دو رود شروع می‌شود و بعد از عبور از خرمشهر و آبادان در اروندکنار به دهانه خلیج فارس می‌ریزد. [۱۱] (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ۱۳۸۵: ۱۸) این سرگذشت روزگار معاصر ایران پیرامون اروندرود از نگاه جغرافیایی است اما این تحدید تنها به دوران ما در مرزبندی سیاسی میان دو کشور ایران و عراق باز نمی‌گردد. چرا که اروندرود پیش از آن نیز در عهد قاجار و عثمانی و حتی از دوران صفویه محل کشمکش‌های سیاسی بوده است. عهدنامه «ارزروم» نمونه‌ای از ماندگاری اروندرود در معاهدات سیاسی ایران و عثمانی‌هاست. «در عهدنامه دوم ارزروم ۱۲۶۳ هـ برای اولین بار رژیم حقوقی اروندرود مطرح شد. هر چند مرز دو کشور ساکت است اما طبق مقررات حقوق بین‌الملل در صورت سکوت عهد نامه، مرز تالوگ (خط القعر) است. همچنین عهدنامه مذکور به دولت عثمانی حاکمیت مطلق در اروندرود را نداده است. پاراگراف ۴ ماده ۲ عهد نامه دوم ارزروم آزادی کشتیرانی را به کشتی‌های ایران در تمام مجرای رودخانه داده است.» [۱۲] (ولدانی ۱۳۷۶: ۴۰)

جغرافیای تاریخی و سیاسی اروندرود تنها تا دوران عثمانی و صفویه محدود نشده است. بلکه پیش از آن در روزگار آغازین اسلام باز هم نشانه‌هایی از اروندرود با همین نام در متون دینی، تاریخی و ادبی سده سوم هـ به‌دینان با صبغه اساطیری نظیر بندهش، گزیده‌های زادسپرم و ... می‌توان یافت. شاهکار ادبی ایران و جهان یعنی شاهنامه فردوسی نیز به عنوان حماسه ملی ایرانیان در بخش اساطیری جنگ فریدون و ضحاک با سیر داستانی این رود، راوی جنبه‌های مهم دینی و آیینی آن شده است. سر آغاز ورود به این سیر اساطیری، بررسی چگونگی آفریدن اروندرود در برخی از متون اساطیر ایران است. اسطوره آفرینش در اساطیر ایران با نبرد هرمزد و اهریمن و خلق جهان مینوی، زمان و پس از آن جهان مادی و از جمله اروندرود شکل می‌گیرد.

۲-۱. اسطوره آفرینش

اسطوره با بیان باورها و اعتقادات هر قوم درباره آغاز آفرینش، باعث شناخت نحوه تفکر، بینش، مذهب، فرهنگ و تمدن اقوام ملل جهان شده است. «اساطیر حتی در ساده‌ترین سطوح خود انباشته از روایاتی است معمولاً مقدس درباره خدایان، موجوداتی فوق بشری و وقایع شگفت‌آوری که در زمان‌هایی آغازین، با کیفیاتی متفاوت زمان عادی ما، رخ داده و به خلق جهان و اداره آن انجامیده است، یا در دوران‌های دور دست آینده رخ خواهد داد.» [۱۳] (بهار ۱۳۷۸: ۳۷۱) این سخن درباره اساطیر با بیان مفاهیم اعتقادی و روایات مقدسی درباره خدایان و انسان در بینش مردمان بدوی و جوامع ابتدایی پیوند اسطوره و دین را نمایان ساخته و آن را در ردیف ادیان قرار داده است. «در دین است که اعتقاد به اسطوره‌ها به بارزترین شکلی متبلور شده‌است. اسطوره به مثابه روایتی بنیانگذار به زبانی تصویری، پایه‌های اعتقادی مردمی خاص را درباره خدایان آنها، سرچشمه پاره‌ای از رویدادهای فتنه انگیز در جهان همچون زندگی و مرگ و رابطه انسانی و امر قدسی را بیان در آورد.» [۱۴] (ریویر ۱۳۷۹: ۱۹۴)

به باور ایرانیان در دوران باستان و بر اساس روایاتی از متون دینی و تاریخی، آغاز هستی در اسطوره مزدایی آفرینش یک برهه دوازده هزار ساله است که شامل چهار دوره سه هزار ساله شده است. هر چند که این برهه دوازده هزار ساله را برخی از متون در سه دوره سه هزار ساله روایات کرده‌اند اما مضمون مشترک بحث زمان و حدود آن در اسطوره جدال هرمزد و اهریمن و نابودی اهریمن در پایان جهان به‌دست سوشیانت (سوشیانس) - آخرین منجی مزدیسنا - روایت شده است. مهرداد بهار در «پژوهشی در اساطیر ایران» این آفرینش دوازده هزارساله را در یک جمع‌بندی این‌گونه بیان کرده‌اند:

نخست زمان بیکرانه ازلی و ابدی بود و دو جهان روشنی و تاریکی. بر جهان روشنی هرمزد و بر دیگری اهریمن فرمانروایی می‌کرد. هرمزد چون ذات اهریمن را می‌شناخت، تصمیم گرفت که جهان روشن خویش را در برابر تازش اهریمن حفظ کند. بدین روی، از

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

زمان بیکرانه زمان کرانمند دوازده هزار ساله آفرید. از این دوازده هزار سال، سه هزار سال به خلق مینوی جهان گذشت. امشاسپندان، ایزدان و مینوی جهان مادی آسمان، آب، زمین، گیاه، حیوان و مردم آفریده شد. در پایان این سه هزار سال، اهریمن به جهان روشنی تاخت و با شنیدن سرود مقدس سست و بیهوش شد و به جهان تاریکی فرو افتاد. آنگاه هرمزد در رأس سه هزار ساله دوم، برای مینوهای جهان مادی تن آفرید. او پس از آفرینش آسمان، آب و زمین، گیاه، گاو (سپید و ماده) سرانجام کیومرث را در میانه زمین نمونه انسان واقعی خلق کرد. در پایان شش هزار سال، اهریمن با خلق کماله دیوان، دیوان، خرفستران (موجودات موزی) و همه بدی‌ها به جهان هرمزدی از نو حمله کرد. اهریمن و دیوان در آغاز حمله، آسمان را که چون سپری و دامی در راه اهریمن در جهان روشنی قرار داشت؛ به جهان خلاء - که میان دو جهان روشنی و تاریکی است - فروکشیدند و تنها بخشی از آن در جهان روشنی بازماند و این همان بخشی از جهان است که اهریمن قادر به آلودن آن نیست. بدینگونه با تازش اهریمن، سه هزار ساله سوم آغاز گشت. در پایان این سه هزاره زرتشت خواهد آمد و در رأس هر هزاره فرزندی از او خواهند آمد و در پایان دوازده هزار سال، عصر جهان مادی و اهریمن به سر خواهد رسید. [۱۵] (بهار ۱۳۷۸: ۱۴۰-۱۳۸) بنا به همین روایت مستند جهان مینوی و مادی عرصه جدال و نبرد هرمزد و اهریمن شد و خلقت انسان و پدیده‌های طبیعی بدین منظور اتفاق افتاده است. بر این مینا ارونرود یکی از رودهایی است که در هزاره هفتم به وسیله هرمزد خدای بزرگ برای نابودی پدیده خشکسالی آفریده شد و اسطوره باران این نبرد را به طرز زیبایی در خود ماندگار نموده است.

۲-۲. اسطوره باران

بر پایه اسطوره آفرینش، ارونرود در هزاره هفتم برای مقابله با پدیده خشکسالی آفریده شد. این پدیده بی‌شک با وضعیت آب و هوایی ایران در ارتباط بوده است که ذهن‌های خلاق ایرانیان آن را در قالب روایت نبرد باران و خشکسالی در نام اسطوره باران ماندگار ساخته‌اند. جلیل دوستخواه در کتاب «اوستا نامه مینوی آیین زرتشت» درباره روایت این اسطوره چنین نگاشته‌اند. «بیم و هراس از بی‌آبی و خشکسالی که انگیزه سرودن چکامه شیوایی چون «تیریش» بوده از دیر باز در ایران زمین وجود داشته است و در گفته‌های بسیاری کسان به چشم می‌خورد. «داریوش» شاهنشاه هخامنشی در سنگ‌نشته پاسارگاد نوشته است: «باشد که «هورامزدا» و همه بغان مرا یاری کنند. باشد که «هورامزدا» این کشور را از لشکر دشمن و خشکسالی و دروغ نگاه دارد. مبدا لشکر دشمن و خشکسالی و دروغ بر این مرز و بوم چیره شود. باشد که «هورامزدا» و همه بغان این آرزوی مرا برآرند.» [۱۶] (دوستخواه ۱۳۴۳: ۱۸۸)

محمود جعفری دهقی در ادامه کتیبه داریوش درباره در امان ماندن کشور از خشکسالی به اسطوره باران کرداری گریزی زده است: «باران در اساطیر ایران پدیده اهورایی است. پیدایی این اسطوره به واسطه ویژگی‌های آب و هوایی فلات ایران امری منطقی است... بخش چشم‌گیری از مرکز فلات ایران را کویرهای خشک و بیاب فرا گرفته‌اند. این ناحیه که از بی‌حاصل‌ترین و بایرترین کویرهای جهان است، شامل دو بخش، یکی دشت کویر در شمال و دیگری دشت لوت در جنوب است. این پدیده سبب شده تا این سرزمین همواره در معرض تهدید خشکسالی باشد... چنان که در میان‌رودان نیز خویشکاری «ایشکور(ادد)» ایزد طوفان، آوردن باران برای مناطق زیر کشت بوده است... و همین خویشکاری را ایندنده ودایی در زمینه ایجاد آب و باران دارد.» [۱۷] (جعفری دهقی ۱۳۸۹: ۲۷)

نکته مهم در مطالب یاد شده چکامه «تیر یشت» مشهور به «تیشتر یشت» است که در اساطیر ایران یشت سرود ستایش و نیایش است و تیشتر ایزد باران و آفریده هرمزد خدای بزرگ. مقابل او اپوش زاده اهریمن و دیو خشکسالی قرار گرفته است تا با این پدیده

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

زمین را نابود سازد. مطابق کتاب «بندهش» نوشته فرنبغ دادگی متعلق به سده سوم هـ. ق. رودها و دریاها در هزاره هفتم آفرینش آفریده شدند. در پی این آفریدگان اسطوره نبرد ایزد باران و دیو خشکسالی شکل گرفت و در میان آن هفت اقلیم یا کشور در عرصه گیتی به وجود آمد. مهرداد بهار در «پژوهشی در اساطیر ایران» به استناد کتاب بندهش شکل‌گیری هفت کشور را این‌گونه روایت کرده‌اند:

«اما در آغاز هزاره هفتم، پس از تازش اهریمن بر زمین و آسمان ایزدی به نام تیشتر با جام ابر از آب‌هایی که در آغاز آفریده شده بود، آب برداشت، باد آب را به آسمان برد و بر زمین ببارانید. در پی این باران بزرگ، زمین نمناک شد و به هفت پاره بگسست. هر پارهای را اقلیمی خوانند که در پهلوی کشور گفته شود. پارهای که به اندازه همه شش پاره دیگر بود، در میان و شش پاره دیگر پیرامون آن قرار گرفتند. طبعاً این دگرگونی‌ها همه در نیمکره فوقانی زمین که شایسته زیست بود، انجام پذیرفت. پاره میانه خونیرس است که با املاهای خنیرث و خنیره نیز در پارسی آمده است.» [۱۸] (بهار ۱۳۷۸: ۱۴۰)

۲-۲-۱. سوشیانت و اروندرود

نکته مهم درباره هفت کشور این است که «خونیرس» در میانه جغرافیای اساطیری جهان واقع شده و کشور ایران در دل آن جای گرفته است. به تعبیری دیگر ایران در میانه زمین و قلب جهان است. آنچه درباره خونیرس و ایران مهم جلوه نموده است و شایسته توجه و دانستن است؛ همانا اینکه محل زندگی و ظهور آخرین منجی جهانی به باور ایرانیان آنجاست. بنا به این باور در سه هزاره ساله پایانی عمر جهان سه فرزند از نسل زرتشت ظهور نموده و جهان را از ظلم و جور پاک خواهند نمود و عدل و داد را در همه جهان خواهند گسترانید. نام این منجیان در ادبیات دینی به‌دینان هوشیدر، هوشیدرماه و سوشیانت است. آخرین منجی در هزاره دوازدهم جهان با نابودی اهریمن، عدالت را برای جامعه بشریت به ارمغان خواهد آورد و پس از آن بازسازی جهان و رستاخیز به وقوع خواهد پیوست. در این باره ابراهیم پورداود در کتاب «یشت‌ها» بر آن است که: محل زندگانی سوشیانت - موعود مزدیسنا- همین خونیرس است و در آخرین هزاره، یاوران سوشیانت از شش اقلیم دیگر به یاریش خواهند شتافت. بر این اساس چون خونیرس یا کشور مرکزی محل اقامت سوشیانت است؛ بنابراین هنگام ظهور، خورشید به هفت کشور روی زمین فروغ خواهد پاشاند. [۱۹] (پورداود ۱۳۷۷ ج ۲: ۱۰۱-۱۰۰)

این نکته بسیار با اهمیت است که اسطوره باران روایت‌گر چنین باورهای نابی با موضوع ظهور منجیان باشد و اروندرود در این بین بنا به همین اسطوره از میان خونیرس جریان داشته است و این رود در نزد ایرانیان باستان یک رودخانه مذهبی تلقی شده است. «زیرا اروندرود یکی از هفت رودخانه مقدس اوستایی است و بر اساس روایات مذهبی ایران باستان، سوشیانت (موعود زرتشتی) از کنار این رود ظهور خواهد کرد.» [۲۰] (آقایی ۱۳۶۷: ۶۰۸)

بهرام فره‌وشی در نوشته «اروندرود» به نقل از بهمن یشت یکی از علایم ظهور سوشیانت را جنگ در کرانه‌های اروندرود بیان کرده‌اند و در پایان عقیده دارد که منظور از جنگ در این کرانه‌ها، جنگ‌های پایانی دوره ساسانی است: «در نامه پهلوی بهمن یشت که پیشگویی‌هایی در آن شده است، یکی از نشانه‌های آخر زمان و ظهور سوشیانت یا نجات‌دهنده دنیا جنگی است که بین ایران سپاه و دیوان دوال کمر در کنار اروندرود خواهد گرفت که پیروزی سرانجام با ایرانیان خواهد بود. در آنجا چنین آمده است: سپاهی که نامش

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فراخ پیشانی است و گرگ دو پا و دیو دوال کمر (چرمین کمر) در ارونند بار (کرانه ارونند) سه کارزار کنند. این قطعه ظاهراً اشاره‌ای به جنگ‌های پایان دوره ساسانی می‌کند...» [۲۱] (فره‌وشی: ۱۳۴۸: ۸۴-۸۳)

جهانگیر اوشیدری در ذیل واژه ارونند در دانشنامه مزدیسنا، جنگ در عراق را زمینه ساز ظهور موعود مزدیسنا دانسته‌اند: «در اوستا، مخصوصاً در بهمن یشت از آخرالزمان و علایم ظهور موعود مزدیسنا (سوشیانس) چنین یاد شده‌است که علامت ظهور سیوشانس این است که جنگی در عراق واقع خواهد شد، و از ارونند اسم می‌برد» [۲۲] (اوشیدری: ۱۳۹۴: ۱۰۰)

۲-۲-۲. اسطوره خلق ارونند در بندهش

ارونند در اسطوره آفرینش و باران راوی زمان خلق اهورایی‌اش در هزاره هفتم خلقت است و بدین سبب سیر مذهبی و نوع نگاه ایرانیان به آن در دوران باستان روایت شده است. مهم‌ترین باورها و اعتقادات به جهان و هستی در بحث اساطیری ارونند از گذشته باستانی و حتی پیش از آن در لای به لای کتب دینی و تاریخی به‌دینان با بن‌مایه‌های اساطیری نظیر بندهش بدست آمده است. بندهش گزارش فرنیغ دادگی از کتب فارسی میان یکی از مهم‌ترین منابع اساطیری به‌دینان است که با سخن درباره چگونگی خلق رودها، دریاها، کوهها، زمین و... اطلاعات ارزشمندی را در زمینه‌های آفرینش مینوی و جهان مادی ثبت نموده است. [۲۳] (بهار ۱۳۸۰: ۵) ارونند در این کتاب با وصفی زیبا آمده است و در این وصف، این خود هرمزد خدای بزرگ است که در یک کالبد پذیری با انگشت خود آن را برای مقابله با پدیده خشکسالی آفریده است. این روایت خلقت در واقع در ادامه نبرد اسطوره‌های تیشتر و پوش این گونه تداوم یافته است:

پس باد آن آب را به همان آیین، تا به سر رسیدن سه روز، به سوی زمین باز نشانید. سه دریای بزرگ و سی دریای کوچک از آن پدید آمد. «او از سوی شمال دو رود بتازانید، یکی به خراسان، یکی به خاوران شدند که ارونند و وهرود است، چنین گوید که بدان بالای انگشت (خود) هرمزد بن دو آب رو را فراز کشید، و آن هر دو رود به هر دو سر زمین بگردند و به دریای فراخکرد باز به هم آمیزند. هنگامی که آن دو رود بتاخته بودند، پس از همان سرچشمه ایشان، هیجده رود ناو رو بتاخت؛ سپس، دیگر رودها از آن (رودهای) ناو رو فراز تاختند. ایشان نیز همگی باز به ارونند و وه ریزند که از ایشان بود سود بخشی گیهان و بیش زیستن آفریدگان.» [۲۴] (دادگی: ۱۳۸۰: ۶۵-۶۴) دیگر با این اسطوره زیبا خاستگاه قدسی ارونند دوچندان و والا نموده است؛ چه خود هرمزد آن را آفریده است. اینها تنها بخشی از روایات اساطیری ایران پیرامون ارونند است که آن را از دیگر رودخانه‌ها متفاوت و یکتا ساخته است. نکته دیگر اینکه جغرافیای اساطیری ارونند از البرز کوه تا دریای فراخکرد (اقیانوس هند) خود جنبه‌های دیگری از این رود را نمایان نموده است.

۲-۳. اسطوره ایزد بانوی آبها و ارونند

ارونند در اسطوره بندهش با خلق هرمزدی جنبه قدسی یافته است. همچنین این رود به عنوان یک رود اساطیری و در ارتباط با ایزدان و اسطوره باران پیرامون آن هاله قدسی و مینوی‌اش فزونی گرفته است. یکی دیگر از مهم‌ترین منابع اساطیری ایران - که مجموعه‌ای از سنت‌های دینی پس و پیش از زرتشت را در خود جای داده - کتاب «اوستا» است. این کتاب کهن‌ترین سروده‌های زرتشت و پیروان اوست و شامل پنج بخش یسنا، یشت‌ها، ویسپرد، وندیداد و خرده اوستاست. بخش یشت‌ها یکی از بلندترین و دلکش‌ترین سروده‌های اوستا شامل بیست و یک یشت در ستای و نیایش ایزدان است و اساطیر، داستان‌ها و افسانه‌های کهن با

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

زبانی شاعرانه بیان شده است: «شرح بسیاری از رزم‌ها و کشمکش‌های ایرانیان و همسایگان‌شان و پادشاهی خاندان‌های داستانی ایران کهن را نیز در «یشت‌ها» می‌توان خواند.» [۲۵] (دوستخواه ۱۳۴۳: ۱۳۴-۱۳۳) پنجمین یشت از یشت‌ها موسوم به آبان یشت مهم‌ترین منابع اساطیری پیرامون ستایش ایزدان و از جمله ایزد بانوی آب‌ها «آناهیتا»ست که در این یشت «اردویسور اناهیتا» نامیده شده است. آب نماد حیات، باروری و زاینده‌گی با این ایزد بانو ارتباط یافته است و «طبیعی است که در بسیاری از دین‌ها سرچشمه زندگی و باروری به صورت مادینه تصور کنند. در ایران ایزد بانو اردویسور اناهیتا یعنی آبهای نیرومند بی‌آلایش، سرچشمه همه آب‌های روی زمین است.» [۲۶] (هینلز، ۱۳۸۹: ۳۸) از همین نگاه است که ایرانیان برای آب اسطوره ایزد بانوی آب‌ها را در آبان یشت سروده‌اند. علاوه بر این ارون‌درد با این ایزد نیز در ارتباط بوده است. به عبارتی دیگر «آب در نزد ایرانیان دارای دو ایزد بوده است که یکی اپم نپات apam napat و دیگر ایزد بانو آناهیتاست و هر دو موکل بر آب هستند، ارون‌درد نیز صفت هر دو ایزد در معنای نگهبان آب‌ها.» [۲۷] (فره‌وشی، ۱۳۴۸: ۸۴) ارون‌درد این رودخانه هرمزدی و ایزدی در اساطیر ایران با هاله اهورایی و قدسی جایگاه والا و ماندگاری یافته است اما این تنها بخشی از روایات اساطیری پیرامون ارون‌درد است. به تعبیری ارون‌درد تنها یک رودخانه مقدس نبوده و این رود یک رودخانه آیینی قضاوت و آزمایش ایزدی نیز بوده است.

۳. آیین قضاوت و آزمایش ایزدی

نگاهی به امور قضاوت و داوری برای نیل رسیدن به حقیقت همواره از دوران باستان در جوامع بشری جهان قابل مشاهده است و این مهم در قالب روایات اساطیری و تاریخی در جهان گاه با آیین‌های خاصی همراه بوده است. آیین قضاوت یا آزمایش ایزدی از جمله آن است که در ایران و در نزد اقوام دیگر ملل جهان با نام‌هایی چون داوری الهی و ایزدی، چاره آتشان، پساخت، ور، دوئل، اوردالی و مباحله شناخته‌تر نموده است. این آیین‌ها هنگام دعوی میان دو طرف و به منظور دعوی و احقاق حق و آشکار شدن حقیقت انجام می‌شده است. گاه این آیین‌ها در اثبات حقانیت، عدالت خواهی و بیان استحقاق عهده داری یک مسئولیت مهم و اموری نظیر پیامبری و پادشاهی دادگرانه بودن بوده است.

محمد معین در فرهنگ فارسی گونه‌هایی از این آزمایش و قضاوت‌ها را در عنوان «ور» این گونه بیان نموده‌اند: var در ایران باستان در محاکمه‌های میهم و مشکل، دو طرف دعوی را مورد آزمایشی بنام «ور» قرار می‌دادند و هر کس موفق می‌شد، او را محق می‌دانستند از جمله این آزمایش‌ها نوشتن آب آمیخته به گوگرد و گذشتن از میان آتش است. اینک به دو نمونه از آزمایش با آب موسوم به «ورسرد» و گذشتن از آتش بنام «ورگرم» یا چاره آتشان می‌پردازیم.

نمونه اول) ورسرد: آزمایش با اشیاء سرد از این قبیل: مدعی و مدعی علیه هر دو می‌بایست در آبی فرو روند نفس هر یک زودتر تنگ می‌شد و سر از آب بیرون می‌کرد، محکوم می‌گشت. دست چپ متهم را به پای راستش می‌بستند و ریسمانی هم به کمرش تا در وقت ضرورت بتوانند او را از آب در آورند، آنگاه او را در آبی می‌انداختند، اگر در آب فرو می‌رفت بی‌گناهی وی ثابت بود و اگر در روی آب می‌ماند مقصر و محکوم بود زیرا آب پاک او را به خود نپذیرفته است. [۲۸] (معین ۱۳۸۵: ذیل واژه ور)

نمونه دوم) ورگرم: این آزمایش در عنوان پساخت و چاره آتشان در اساطیر ایران با زندگی زرتشت پیامبر ایرانی مربوط بوده است. در اسطوره زندگی زرتشت آمده است که او از بدو تولد چندین بار مورد آزمایش «ور» قرار گرفت. در یکی از مراحل این آزمایش و در وهله سوم «او سدیگر روز، هیزم بر هم چید و زردشت را فراز نهاد و آتش برافروخت، هیچ او نسوخت و او را آن نشان پساخت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(=آزمایش دینی) بر آتش بود.» [۲۹] (زادسپرم به نقل از بهار ۱۳۷۸: ۲۴۸) این آزمایش به وسیله پدر زرتشت بنام «پورشسپ» برای آزمودن پسرش از بدو تولد و به اغوای دشمنان زرتشت صورت پذیرفت و او به سلامت از این آزمایش دینی گذشت.

۳-۱. رشن ایزد داوری و قضاوت

در اساطیر ایران برای داوری و قضاوت، ایزدی یا ایزدانی موکل بر آن دانسته‌اند. این ایزد «رشن» نام دارد که آیین قضاوت مردمان پس از مرگ با اوست و در این راه ایزدان دیگری با او همکاری دارند. رشن «ایزد عدالت آیین ایران باستان است. در سر پل چینود که روان گذشتگان به داوری کشیده می‌شود و کردارهای خوب و بد و ثواب‌ها و گناهان‌شان سنجیده می‌شود، هیئت داوری را سه ایزد تشکیل می‌دهند: مهر، رشن و سروش. ترازوی مینوی را رشن در دست دارد.» [۳۰] (آموزگار ۱۳۹۷: ۳۲)

پل چینود یا چینوت نام پلی است که همانند پل صراط در آیین زرتشتی برای سنجش اعمال در رستاخیز مهیا خواهد شد. به موجب روایات زرتشتی یک سوی آن بر روی قله کوهی در ایرانبویج و سوی دیگر آن بر کوه البرز قرار گرفته است و در زیر این پل دروازه دوزخ. به هنگام عبور مردمان نیک کردار این پل پهن و عریض شده و در تقابل آن، هنگامه گذر بدکاران این پل تا اندازه لبه تیغ باریک گردیده تا روح بدکاران در دوزخ افتد. [۳۱] (اوشیدری ۱۳۹۴: ۲۴۵-۲۴۴) آیین قضاوت و داوری در ایران باستان و دیگر همسایگان باستانی حیرت انگیز و اعجاز آمیز می‌نموده است. نمونه‌هایی دیگر از این آیین در نزد ایرانیان و دیگر ملل در قوانینی نوشته بر سنگ‌ها و برخی در رودخانه‌های مقدس نمود یافته است.

۳-۲. قانون ایلونروی حمورابی

آیین قضاوت و داوری در دوران باستان در نزد اقوام جهان در قالب روایات اساطیری و تاریخی، نشانی از توجه آن به مفهوم حق و استیفای حقوق برای نیل به عدالت خواهی بوده است. این امر از آن روزگاران تا روزگار معاصر همراه با اصلاحات و تغییرات به فراخور دانش بشری به عنوان حقوق انسانی و شهروندی تداوم نموده است. با کاوش‌های باستان شناسان در سال ۱۹۰۱ م. در شوش دانیال (ع) سنگ نوشته‌ای کشف شد که یک سری قوانینی بر آن حکاکی شده بود که این قوانین به عنوان قدیمی‌ترین سند تاریخی بنام «قوانین حمورابی» شهرت یافته است. در این قوانین دو بند وجود دارد که درباره آیین قضاوت و داوری است. این دو بند قضاوت در عنوان و نام قانون «ایلو نرو» ثبت شده است. «ایلو» به معنای خدا و «نرو» به معنی نهر آب است. بنابراین این واژه روی هم رفته خدای نهر معنا گردیده است. در ضمن قوانین حمورابی در یکی از بندها چنین نگاشته شده است:

«اگر کسی یکی را به جادویی متهم کند، اما نتواند آن را ثابت کند، آن که به جادویی متهم شده، باید به کنار رود رود و در رود افتد؛ اگر رود او را در بر گرفت، پس باید کسی که او را بزهکار دانست، خانه‌اش را تصاحب کند. اما اگر رود بی‌گناهی او را ثابت کرد و او تندرست ماند، پس باید کسی که به او تهمت جادویی زده کشته شود و آن که به آب انداخته شده خانه تهمت زنده خود را تصاحب کند.» [۳۲] (رسولی ۱۳۷۷: ۱۵)

این آیین «ورسرد» در این قانون ایلونرو از میان دویست و هفتاد و دو بند آن روایت واقعی از تاریخ مردمانی است که در دوران باستان بدان معتقد بودند. قوانین حمورابی متعلق به پادشاهی به همین نام در سده‌های پیش از میلاد مسیح (ع) و پیدا شدن آن را در شوش باید در ارتباط بودن دو سویه بابلیان و عیلامیان در هزاره‌های پیش از میلاد دانست. «زمان حموربی پادشاه دادگر و توانای

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بابل را مختلف یاد کرده‌اند. گروهی از دانشمندان زمان پادشاهی او را از سال ۱۷۲۸ تا ۱۶۸۶ پیش از میلاد دانسته‌اند. نظر به اسنادی که در کرانه فرات در «ماری» (تل هریری) یافت شد؛ این تاریخ درست‌تر به نظر آمده است. [۳۳] (پورداد ۱۳۵۶: ۱۳۲)

۳-۳. رودخانه قضاوت: کارون

قضاوت و داوری در دوران باستان در قالب آیین‌ها تنها به قوانین حمورابی محدود نشده است؛ بلکه در دوره عیلامیان و در نام آیین «ورسرد» نمونه‌هایی از این داوری با آب در برخی از رودخانه‌ها به ثبت رسیده است. بر این مبنا برخی از قضاوت‌ها برای اثبات بی‌گناهی از طریق آب همراه با آیین‌های خاص و با حضور شاهدان در رودخانه کارون به سرانجام رسیده است. والتر هینتس در کتاب «دنیای گمشده عیلام» نمونه‌های از این قضاوت‌ها را بیان کرده است:

«ده زن شهادت می‌دهند که یک زن دیگر، متهم، از مردی هدیه‌ای دریافت کرده که او آن را انکار کرده است. دادگاه به متهم دستور می‌دهد که خود را به قضاوت الهی در رودخانه بسپارد. اگر در رودخانه کارون غرق شود، مدعی برنده دعواست و اگر زنده بماند، مدعی باید هدیه را اُجرت المثل کند، اما حتی در این حالت هم به دلیل انکار قبلی‌اش مجازات نمی‌شود.» [۳۴] (هینتس ۱۳۹۶: ۹۷-۹۶)

این قضاوت و داوری بدون ذکر نتیجه در دوران عیلامیان نشان از توجه پادشاهان و مردمان آن به حقوق همدیگر همراه با جنبه‌های اعجاز‌آمیزی از آیین ورسرد را ثبت و ضبط نموده است. آیین قضاوت و داوری با آب رودخانه در دیگر رودهای ایران زمین نیز جریان داشته است که نمونه‌های آن رود ارونند است که در حماسه اساطیری گذر فریدون از ارونرود این آیین نمود یافته است. آیینی که فریدون حقانیت و دادگستر بودن خود و پادشاهی‌اش را نشان داده و از این جهت مقبولیت عامه مردم و رهبری آنان را عهده‌دار گشته است.

۳-۴. آیین ورسرد: ارونرود

هنگامه عصر زرین پادشاهی جمشید آسایش و بی‌مرگی در جامعه انسانی آن روزگار باعث شد که او خود کامگی و خود ستایی پیشه کرده، ادعای خدایی کرد. ضحاک ماردوش بر جانش مستولی گشت و با به اراه کردن او، پایانی بر دوره آرمانی و پادشاهی جمشید شد و آغازی بر دوره هزار ساله پادشاهی ظالمانه ضحاک بر هفت کشور. ضحاک در دوران زمامداری و فرمانروایی در پی خوابی نابودی خود را به دست جوانی دید که تخت و تاجش را از او گرفته و با گرز گاو سر بر سرش می‌کوبد. این خواب باعث شد که ضحاک به دنبال آن آبتین پدر فریدون و گاو برمایه همان دایه مهربان و دامن پرور او را بکشد. فرانک مادر فریدون مدتی او را در مرغزاری پنهان کرد و بعد از مدتی در کوه البرز به مردینی و پرهیزگار سپرد. فریدون پس از برنایی و پرس و جو از کار پدر و عاقبت گاو برمایه به انتقام و خونخواهی مصمم شد.

در این بین کاوه آهنگر در اعتراض به کشته شدن فرزندان و نجات تنها فرزند باقی مانده او، در محضر ضحاک گواهی دادخواه بودن او را پاره کرد و زمینه قیام عامه مردم به رهبری فریدون مهیا شد. یکی دیگر از کارهای کاوه ساختن درفش از چرم آهنگری بود. او با ساختن این درفش و تقدیم آن به فریدون، عرصه را برای قیام آموخته ساخت. فریدون چرم آهنگر و درفش ساخته شده را مزین کرد و آن را درفش کاویانی نامید. او پس از آنان با خیل سپاهیان منزل به منزل به سوی سرزمین تازیان و بیت المقدس برای نابودی ضحاک حرکت کرد تا اینکه به رودخانه ارونرود رسید:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

براند و بدش کاوه پیش سپاه
بر افراشته کاویانی درفش
به ارودرود اندر آورد روی
اگر پهلوانی ندانی زبان
دگر منزل آن شاه آزاد مرد
بر افراز راند او از آن جایگاه
همایون همان خسروانی درفش
چنان چون بود شاه دیهیم جوی
به تازی تو اروند را دجله خوان
لب دجله و شهر بغداد کرد
[۳۵] (خالقی مطلق ۱۳۸۸ ج ۱: ۷۳؛ کزازی ۱۳۹۶ ج ۱: ۵۹)

اروندرو در آن هنگامه دارای رودبانانی بود که ضحاک بر آن گماشته بود و بدون اجازه او کسی حق عبور نداشت. بدین سبب وقتی فریدون و سپاهیانش به آنجا رسیدند؛ با این رودبانان روبه‌رو شدند. گویا اروندرو در آن زمان چون امروزه چنان وسعت داشته بود که تنها با کشتی و زروق از آن عبور می‌کردند.

چو آمد بنزدیک اروندرو
که کشتی و زورق هم اندر شتاب
نیآورد کشتی نگهبان رود
چنین داد پاسخ که شاه جهان
که مگذار یک پشه راه، تا نخست
فریدون چو بشنید شد خشمناک
به تندی میان کیانی بست
سرش تیز شد کینه و جنگ را
ببستند یارانش یکسر کمر
بران باد پایان با آفرین
به خشکی رسیدند سر کینه جوی
فرستاد زی رودبانان درود
گذارید یکسر بدین روی آب
نیامد به گفت فریدون فرود
جزین گفت با من سخن در نهان
جوازی نیابی به مهری درست
از آن ژرف دریا نیامدش باک
بران بارهی شیر دل بر نشست
به آب اندر افکند گلرنگ را
همیدون به دریا نهادند سر
به آب اندرون غرقه کردند زین
به بیت المقدس نهادند روی
[۳۶] خالقی مطلق، ۱۳۸۸: ۷۴/۱-۷۳

۳-۵. تحلیل گذر فریدون از اروندرو

فریدون با اسب گلرنگ به رود موج و خروشان اروند گام نهاد و بدون هیچ واژه‌ای و بی اعتنا به گفته رودبانان از آن رود گذشت. رودبانان که این بی باکی، شجاعت و دلآوری را در فریدون دیدند؛ برای عذر خواهی بدان سوی رود رفتند و از او عذر خواهی کردند. نکات مهمی در گذر فریدون از اروندرو وجود دارد که می‌توان به برخی از آنها اشاره نمود.

نکته اول: فردوسی در این گذر اروندرو را با رود تازی (عربی) دجله یکی دانسته‌اند و این نکته برای پی بردن به ریشه‌شناسی اروندرو بسیار مهم است. در همین باره میرجلال الدین کزازی بر این باورند که: «از آن روی که دجله رودی تیز و خروشان است اروند خوانده شده‌است. نام تازیخانه این رود، نیز گویای تیزی و خروشنده‌گی آن است. دجله ریخت تازی شده دیگلت trglat یا تیگتل

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

trgtal در پهلوی است و ریخت اوستایی آن تیگره بوده است که آن نیز به معنی تیز است و واژه تیز در پارسی از آن برآمده است.» [۳۷] (کزازی، ۱۳۹۶: ۳۷۷)

نکته دوم: ارونردود یک رودخانه مهمی بوده و حماسه اساطیری جنگ فریدون و ضحاک راوی آن شده است. اینکه ضحاک برای اهمیت این رود، رودبانانی گماشته است و بدون اجازه او کسی حق عبور نداشته باشد. بنابراین ارونردود یک رودخانه اساطیری و تاریخی است و از این جهت دلیلی بر قدمت آن است و از لحاظ جغرافیای تاریخی معرف وسعت و دامنه وجودی آن در دوران باستان است که ایرانیان برای آن ترسیم کرده بودند.

نکته سوم: گذر از ارونردود نشانی بر نمادینی این رود و نشان دادن توانایی‌هایی فریدون مانند شجاعت، دلاوری، بی پروایی و در یک کلام حقانیت اوست. چه گذر از رودی که وسعتی چون دریا داشته باشد و نگهبانانی بر آن گماشته باشند و در یک معنا رود موج و خروشان اساطیری جلوه نموده باشد؛ کار آسانی نیست و ناظر به کارکرد اساطیری و مقدس گونه آن می‌تواند باشد. مهرداد بهار نیز در پژوهشی در اساطیر ایران بر این قداست و ارتباط آن با آب تاکید کرده‌اند. «گذشتن از آب در اساطیر ایرانی اهمیت خاصی دارد. اغلب قهرمانان پیش از دست یافتن به موفقیتی بزرگ از آب می‌گذرند. این شاید در اصل بر پایه استوار باشد که با هر بار گذشتن، تولدی تازه وقوع می‌یابد.» [۳۸] (بهار، ۱۳۷۸: ۲۶۰)

نکته چهارم: با این اوصاف ارونردود یک رودخانه دینی و آیینی است. هرچند شاهنامه در اینجا به صراحت از این معنا سخنی نگفته است اما در جای دیگری از آن، برخی از جنبه‌های این گذر نمایان شده است. در حماسه اساطیری کیخسرو و در گذر او از رود جیحون جنبه آیینی و توان فره‌مندی فریدون بازگو شده است. آن هنگام که کیخسرو به همراه مادرش فرنگیس و گیو در فرار از افراسیاب تورانی به رود جیحون رسیدند؛ آنجا نیز بازخواهانی بر رود گماشته شده بودند. گیو با آنان سخن گفت ولی نتوانست آنان را قانع کند. به همین خاطر به کیخسرو فرزند سیاوش رو کرده از او خواست تا همچون فریدون توانمندی و فره‌مندی خود اثبات نمایند.

بدو گفت گیو: ار تو کیخسروی	نبینی ازین جز نیکوی
فریدون که بگذاشت ارونردود	فرستاد تخت مہی را درود
جهانی سراسر شد او را رھی	که با روشنی بود و با فرهی
چه اندیشی ار شاه ایران تـوی؟	سوار دلیران و شیران توی؟
مـرین آب را کی بود بر تو راه؟	که با فر و برزی و زیبای گاه
	[۳۹] (خالقی مطلق ۱۳۸۸ ج ۲: ۴۴۷)

نکته پنجم: اینکه گذر فریدون از ارونردود با بحث پایداری و در ارتباط با آن به مقوله نگاهی به اسطوره ارونردود، رودخانه خانه مقدس و آیینی قضاوت و آزمایش ایزدی حاوی نکاتی دیگری از این نگاه می‌باشد که بدان‌ها می‌پردازیم:

۱- فریدون با گذر از ارونردود و به گواهی اسطوره کیخسرو توان فره‌مندی خویش را اثبات نموده است. فره به باور ایرانیان فروغ و نوری است که دادگران و پادشاهان نیک سیرت را چون هاله‌ای نورانی در بر گرفته است. داریوش شایگان در کتاب «بت‌های ذهنی و خاطره ازلی» در این باره چنین نگاشته‌اند: «هر تجلی ابتدا در روح نقش می‌بندد، سپس از آن ساطع می‌شود، همچون پرتوی که به مجرد تابیدن، اشیا محسوس را به تمثیلاتی تبدیل کند که خود در آنها متجلی است... و این‌سان جذب در نوری سیمایی است که سابقاً همچون فره ایزدی و هاله درون، دور سر مغان و فرمانروایان ایران کهن قرار داشت.» [۴۰] (شایگان ۱۳۹۷: ۷۳)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- ۲- گذر فریدون یک نوع آیینی بنام «ورسرد» است که این آیین با فره چندان توأمان بوده است و خاص پادشاهان عدالت‌گستری چون فریدون است تا بتواند رهبری یک کار بزرگی چون نابودی ضحاک ماردوش دیو سیرت را عهده‌دار گردد.
- ۳- مفاهیم والای انسانی نظیر ظلم ستیزی و عدالت خواهی محور گذر فریدون است و این مفاهیم در زمره مفهومی ادبیات پایداری می‌گنجد. نگاه انسان دینی به این مقولات نیز حایز اهمیت می‌نماید. چه در این نگاه فریدون پادشاه دین مدار و دادخواه نمونه انسان آرمانی می‌تواند تلقی شود.
- ۴- ادبیات پایداری گونه ای از ادبیات معاصر است که به جنبه های انسانی هنر و ادبیات می‌نگرد و متعهدانه مفاهیم انسانی را در محوریت خود داراست. مفاهیمی چون آزادی، ایستادگی، مقاومت در برابر دشمنان، ظلم ستیزی و عدالت خواهی و اعتقاد به منجیان نمونه‌های از آنند و این مفاهیم تنها به دوره معاصر محدود نمی‌شود. آن گاهی که فریدون بی‌اعتنا دل به دریای ارون‌رود می‌زند؛ این آیین فره‌مندی و ورسرد و این مفاهیم را در اثبات حقانیت رهبری این قیام نشان می‌دهد.
- ۵- ارون‌رود در این بین واسطه ثبت گونه‌ای از ادبیات پایداری در نگاه عام با رویکرد دینی و آیینی در قالب حماسه اساطیری فریدون و ضحاک و جنگ آن دو با همدیگر و ماندگاری آن در سترگ نامه شاهنامه شده است. فردوسی با سرودن این حماسه محوریت ظلم ستیزی و عدالت خواهی را ورای آیین فره‌مندی و ورسرد تداعی گر شده‌اند.

۴. نتیجه‌گیری

- اسطوره از نگاه انسان دینی سرگذشت مقدسی است که درباره خدا، هستی و آفرینش سخن می‌گوید. در این بین آب مایه حیات و نماد تولد و مرگ، باروری و زاینده‌گی از همان اوان آغازین آفرینش نزد ایرانیان و دیگر ملل جهان قداست داشته و جنبه الوهیت یافته است و ایزدانی چون اهریمن و آناهیتا را بر آن نگهبان و موکل دانسته‌اند.
- نقش طبیعت در شکل‌گیری اساطیر ایران مبهم از نگاه قدسی به آفرینش جهان و جدال هرمزد و اهریمن در اسطوره باران با نبرد تیشتر ایزد باران و اپوش دیو خشکسالی منجر به خلق ارون‌رود در هزاره هفتم آفرینش شد. خلق اهورایی ارون‌رود به وسیله هرمزد خدای بزرگ از کوه اساطیری البرز تا دریای فراخکرد (اقیانوس هند) جغرافیای اساطیری این رود را نشان می‌دهد.
- تشکیل هفت کشور و محوریت ایران در جهان نوعی اعتقاد به ظهور منجیان در دوران باستان شکل گرفت و بر اساس آن سوشیانت آخرین موعود مزدیسنا در ایران سکونت گزیده و جنگ در کرانه‌های ارون‌رود یکی از علایم ظهور خواهد بود.
- ارون‌رود در بخش حماسه اساطیری شاهنامه به هنگام گذر فریدون از آن راوی آیین فره‌مندی، قضاوت و آزمایش ایزدی «ورسرد» شده است. آزمایشی که قانون ایلونروی حمورابی و رودخانه کارون و ایزد رشن نمونه‌های از آن را به ثبت رسانده است. آیین فره‌مندی، ظلم ستیزی و عدالت خواهی نمودی از مفاهیم مرتبط با پایداری‌اند. بنابراین نگاهی به ارون‌رود نشان می‌دهد که این رود یک رودخانه مقدس و آیینی قضاوت و آزمایش ایزدی بوده است.

۵. مراجع

۱. آقای، بهمن، رژیم حقوقی ارون‌رود، مجله سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. س ۲، ش ۴، ۱۳۶۷، صفحات ۶۰۷-۶۲۸
۲. آموزگار، ژاله؛ تاریخ اساطیری ایران، چ هجدهم. تهران، سمت، ۱۳۹۷
۳. اسماعیل پور، ابوالقاسم؛ اسطوره، بیان نمادین، تهران، سروش، ۱۳۷۷

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۴. ایاده، میرچا؛ چشم اندازه‌های اسطوره، ترجمه جلال ستاری، چ سوم، تهران، توس، ۱۳۹۲
۵. اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، واژه نامه توضیحی آیین زرتشت، چ ششم، تهران، مرکز، ۱۳۹۴
۶. بهار، مهرداد؛ پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و پاره دوم)، چ سوم، تهران، آگه، ۱۳۷۸
۷. پورداود، ابراهیم؛ یشت‌ها، ج اول و دوم، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷
۸. _____، رود رنگها = ارنگ، یشت‌ها، ج اول، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷، صفحات ۲۲۲-۲۲۷
۹. _____، ویسپرد، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶
۱۰. _____، اوستا نامه مینوی آیین زرتشت، به کوشش جلیل دوستخواه، تهران، مروارید، ۱۳۴۳
۱۱. جعفری، مریم و اشرف زاده، رضا، رودها در شاهنامه، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد مشهد، س ۱۲، ش ۲، ۱۳۹۵، صفحات ۱۱-۳۰
۱۲. جعفری دهقی، محمود، گزارش منوچهر جوان جم از تیشتر باران ساز در متن فارسی میانه دادستان دینی، مجله زبان شناخت، س ۱، ش ۲، ۱۳۸۹، صفحات ۲۷-۳۸
۱۳. جعفری ولدانی، اصغر؛ بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، چ سوم، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶
۱۴. دادگی، فرنیخ، بندهش، ترجمه مهرداد بهار، چ دوم، تهران، توس، ۱۳۸۰
۱۵. دادور، ابوالقاسم و روزبهانی، رؤیا، نقش طبیعت در شکل‌گیری اساطیر ایران، تهران، مهر نوروز، ۱۳۹۷
۱۶. دوستخواه، جلیل، اوستا کهن‌ترین سرودهای ایرانیان، ج اول و دوم، چ دهم، تهران مروارید، ۱۳۸۵
۱۷. دهخدا، علی اکبر، ارنگ، لغت‌نامه، ج دوم، دوره جدید، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
۱۸. رستگارفاسایی، منصور، اسطوره‌های پیکرگردانی، مجله مطالعات ایرانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۱، ش ۱، ۱۳۸۰، صفحات ۱۳۹-۱۷۶
۱۹. رسولی، جواد؛ آیین اساطیری و پیشینه سوگند در ایران و جهان، تهران، سروش، ۱۳۷۷
۲۰. ریویر، کلود؛ درآمدی بر انسان شناسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نی، ۱۳۷۹
۲۱. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیهای استان خوزستان شهرستان‌های آبادان، خرمشهر و دشت آزادگان، چ دوم، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۵
۲۲. شایگان، داریوش؛ بت‌های ذهنی و خاطره ازلی، چ دوم، تهران، فرزانه روز، ۱۳۹۷
۲۳. صادقی، فریدون؛ تروا در کشاکش بیداد خدایان، تهران، فکر روز، ۱۳۷۴
۲۴. فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، ج اول و دوم، تصحیح جلال خالقی مطلق، چ دوم، تهران، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۸
۲۵. فرهوشی، بهرام، اروندرود، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۱۷، ش ۱، ۱۳۴۸، صفحات ۷۵-۸۷
۲۶. کزازی، میرجلال‌الدین؛ نامه باستان؛ ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی از آغاز تا پادشاهی منوچهر، ج اول، چ یازدهم، تهران، سمت، ۱۳۹۶
۲۷. گنجی، محمد حسن، اروندرود، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، تهران، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵
۲۸. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی (یک جلدی)، به اهتمام عزیز الله علیزاده، تهران، اشجع، ۱۳۸۵
۲۹. هینتس، والتر؛ دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروز فیروزنیا، چ پنجم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶
۳۰. هینلز، جان راسل؛ شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چ پانزدهم، تهران، چشمه، ۱۳۸۹